



مراد از عبادت خداوند

دکتر باقرپور کاشانی



مراد از عبادت خداوند

مقدمه‌ی عبادت، علم هست. یا علم به خداست، حالا بر همان حد ظرفیت وجودی ما، یعنی خروج از حد تعطیل و تشبیه.

لذا ممکن است یک نفر خدا را عبادت کند، اما چون معرفت درستی چون ندارد، یک توهمی و یک بت ذهنی را پرستش می‌کند!

مثلاً خدایی را عبادت می‌کند که مثل مخلوقات است! خدایی را عبادت می‌کند که شبیه مخلوقات است!

در آن تعبیر حدیثی هست که حالا بنا به تخیل و تصور باشد، توهم باشد، مورچه وقتی خدا را بخواد در نظر بگیرد، یک مورچه‌ی بزرگ با دوتا شاخک بزرگ در نظر می‌گیرد! مثل خودش در نظر می‌گیرد!

و چون افتادند در بند تشبیهات و مثلثیت با مخلوقات، گاهی اوقات می‌بینیم که در فرمایشات وهابیت، خدایی را مطرح می‌کنند که دارای ساق پا هست!

خدایی که دارای چشم هست! خدایی که موهایش فرفری هست! حالا این نمازهایی که سر وقت می‌خوانند، این چه نمازی هست!؟

آن خدایی که آن‌ها قبول دارند، این معرفت باطلی هست! خدا نیست! یک بت هست!

بت دو جور است:

یک بت خارجی داریم، یک وقت شما با دست خودت چوب و سنگی را می‌تراشی؛ یک وقت یک بت ذهنی هست؛ هیچ کدام از این‌ها خدا نیستند!

مراد از عبادت خداوند

تو یک تصور نادرستی از خدا داری، داری برای او عبادت می‌کنی! او که خدای حقیقی نیست!

تو مشرکی! یعنی در عرض آن خدای حقیقی، یک خدای خرافی قرار دادی و آن خدای خرافی در ذهنت هست و به نیت او کارهایت را انجام می‌دهی!

پس تو مشرکی! تو خدا را درست عبادت نمی‌کنی! اطاعت نمی‌کنی! پس اگر بنا باشد خدا عبادت شود، مقدمه‌اش معرفت مناسب نسبت به خداست.

نکته‌ی دوم اینکه حالا در عبادت چه چیزی خوابیده؟ اطاعت! بنده باید بدانم خداوند از من چه چیزی می‌خواهد؟ ایدئولوژی‌های الهی را باید بدانم، باید و نبایدهای الهی را باید بدانم، چه چیزهایی را بر من واجب کرده؟ چه چیزهایی را حرام کرده؟ که من بتوانم درست عبادت کنم.

بله یک چیزهایی را به حکم مستقلات عقلی، به خروجی عقل عملی درک می‌کنیم.

عقل هر عاقلی حکم می‌کند ظلم بد هست، خیانت بد هست، نیکی خوب هست، اما این در یک حد و حدودی هست.

اما جهات دیگری را نمی‌تواند عقل به آن برسد! سعه و شعاعش محدود است!

مراد از عبادت خداوند

این جا خداوند متعال باید دستوراتی را به وسیله‌ی انبیای خودش بفرستد، آن دستورات را باید بنده یاد بگیرم که بتوانم آن را عبادت کنم.

پس علم او هم، یک وقت علم به فرامین و توقعاتی هست که او از ما دارد. این‌ها همه مقدمه‌ی عبادت هست. لذا در این خصوص ما روایات فراوانی داریم که حتی مثلاً در ذیل این آیه که:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾

در حدیث آمده یعنی ليعرفون!

ما جن و انس را خلق نکردیم الا اینکه ما را بشناسند. وقتی بشناسند عبادت هم توأمان به دنبال او خواهد آمد.

لذا در روایات ما گفتند اول دین و دیانت، اول عبادت، مقدمه‌ی این‌ها همه علم هست! معرفت‌الله هست!